

«آیا حاکمیت مشترک» شیوه‌ای مناسب برای تعیین حدود رودخانه‌های مرزی است؟

دکتر سید فضل‌الله موسوی*



مقدمه

چندی پیش مقاله‌ای به عنوان «بررسی تحلیلی انواع روشهای تعیین حدود در رودخانه‌های مرزی» به قلم نگارنده به چاپ رسید.^۱ در آن مقاله شش روش تعیین حدود مرزی تعریف گردید و ویژگی‌های هریک با انگیزه‌های ایجاد آنها، مضار و منافع هریک به تفصیل، به جز نوع ششم، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در مجموع این روشها به سه دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول آنهایی هستند که به دلیل ماهیت غیرعادلانه‌شان قابل قبول نیستند. در واقع انگیزه‌ای که در پس پیدایش

*. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۱. دکتر سید فضل‌الله موسوی، «بررسی تحلیلی انواع روشهای تعیین حدود در رودخانه‌های مرزی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۱، شماره ۵۵، صص ۱۴۸-۱۰۳.

چنین روشهایی وجود دارد بر مبنای عدالت و تأمین منافع طرفین به طور مساوی نیست. طبعاً به غیر از وجود مسائل و مشکلات فنی و عملی، بر اثر تضييع حقوق یک طرف، همیشه زمینه ایجاد منازعات و تنش‌های ممتد بین طرفین فراهم است. نظیر روش «یکی از سواحل رودخانه به عنوان مرز» و نیز روش «به کارگیری معیارهای مختلف برای قسمت‌های مختلف رودخانه». دسته دوم آنهایی هستند که در عمل به کار برده می‌شوند و انگیزه ایجاد آن‌ها عدالت و تأمین منافع طرفین است، اما وجود مشکلات فنی و عملی که ناشی از اصرار بر ترسیم یک خط به عنوان مرز در رودخانه است، خود مشکلات و احیاناً اختلافاتی را بوجود می‌آورد. نمونه بارز این روش‌ها، شیوه «خط منصف» برای رودخانه‌های غیرقابل کشتیرانی و «تالوگ» برای رودخانه‌های قابل کشتیرانی است. به هر حال هم در دسته اول و هم در دسته دوم آنچه بیشتر ملاک قرار گرفته تکیه بر رسم یک خط دقیق در آب است، که به نظر می‌رسد برای مرزهای رودخانه‌ای به لحاظ این که معمولاً مسیر آن در حال تغییر است، مناسب نباشد. دسته سوم - که در مقاله مذکور مورد بررسی تفصیلی قرار نگرفت و به تعریف و مثالی از آن بسنده شد - شیوه‌ای جداگانه است که بدون ترسیم یک خط دقیق در آب، کل رودخانه مرزی را تحت حاکمیت مشترک طرفین قلمداد می‌کند. به جهت ویژگی‌های این روش و متفاوت بودن آن، مصلحت دیده شد که در مقاله‌ای جداگانه به تجزیه و تحلیل آن پرداخته و به عنوان روشی مطلوب و مناسب برای رودخانه‌های مرزی پیشنهاد شود.

الف - تعریف و مثالها

یکی از روشهای تعیین مرزهای رودخانه‌ای عبارت از ترسیم مرز در دو ساحل رودخانه است. به موجب این روش مرز هر کشور در ساحل رودخانه طرف خودش قرار دارد و رودخانه بدون آن که با استفاده از روشهای خاص تقسیم شود،^۲ به صورت مشترک باقی می‌ماند.^۳ در این روش برخی مواقع حق ایجاد و نگهداری تأسیسات لازم برای عبور به طرف ساحل مقابل [و مسائل دیگر] مشترکاً به دو طرف اعطا می‌گردد.^۴

براساس گفته «اتون - ون - فوری سینگن»^{*} سواحل رودخانه رایین در قرون وسطی بین «گالیا» و «ژرمینا» را مرز تشکیل می‌داده است.^۵ ماده ۲۷ معاهده ژوئن ۱۸۱۶ بین پروس و هلند مقرر می‌داشت:

۲. این روشها شامل «یک ساحل رودخانه به عنوان مرز»، «خط منصف»، «تالوگ»، «معیارهای مختلف برای قسمتهای مختلف رودخانه» و «پاره‌خط‌های مستقیم» است که در مقاله «بررسی تحلیلی انواع روشهای تعیین حدود در رودخانه‌های مرزی» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به پاورقی شماره ۱ رجوع شود.

۳. همچنین یک رودخانه ممکن است به عنوان محلی بی‌طرف که به هیچیک از دو کشور متعلق نیست تلقی شود. رجوع شود به:

J.C. Garlomango, *El Derecho Fluvial Internacional*, (Buenos Aires, de Martion, 1913), pp.4-8, Quoted by G. Glos, *International Rivers, A Policy - oriented perspective*, (Singapore, G. H. Kiat & Co. Ltd., 1961), p. 231; A.O. Cukwurah, *The Settlement of Disputes in International Law*, (Manchester, Manchester U.P. 1967), p. 46.

۴. معاهده تعیین حدود مرزی بین پروس و هلند، ۲۶ ژوئن ۱۸۱۶، ۳ B.F.S.P., p. 720.

*. Otton - Von - Foreisingen.

5. E.NYS, "Rivières et Fleuves Frontières", *la Ligne Médiane et le Thalweg un aperçu historique*, 2 (1901) *Revue de Droit International et de législation Comparée*, p. 77, quoted by L.J. Bouchez, "The Fixing of Boundaries in International Rivers", 12 (1963) *I.C.L.Q.*, (789 - 817), p. 790.

«در تمام مواردی که نهرها و رودخانه‌ها مرز را تشکیل می‌دهند، آبها بین دو کشور مربوط مشترک است، مگر این که به‌طور صریح ترتیب دیگری مقرر شده باشد...»^۶

همچنین در همان ماده مقرر می‌داشت:

«هیچ‌گونه تغییر، اعطای امتیاز، زهکشی و آب برداری، بدون توافق و رضایت هر دو کشور مجاز نیست».^۷

گفته می‌شود که حاکمیت مشترک در رودخانه‌ها روشی قدیمی است و از زمانی نشأت می‌گیرد که رودخانه به عنوان مرز طبیعی و به حالت منطقه مرزی انتخاب گردید. در آن زمان رودخانه‌ها معمولاً به صورت مناطق بی‌طرف یا تحت حاکمیت مشترک کشورهای مربوط به حساب می‌آمده‌اند.^۸ در حال حاضر تنها مورد اعمال این روش، رودخانه «موزل»^{*} در قسمتی که مرز بین آلمان و لوکزامبورگ را تشکیل می‌دهد، می‌باشد.^۹ آنگونه که «بوچز» بیان می‌دارد موقعیت مرز آبی بین پروس و

6. 3 B.F.S.P., p. 720, at p. 729, art. 27.

7. Ibid., p. 729.

۸. به باورقی شماره ۳ رجوع شود.

*. Moselle.

9. G. Glos, op. cit., p. 109, U.N. Economic Commission for Europe Committee on Electric Power, Legal Aspect of Hydro Electric Development of Rivers and Lakes of Common Interests, Geneva, 1952, (E/ECE/136. E/ECE/EP/98 Rev. 1, p. 15; ST/LEG/Ser. B. 12, Sales No. 36, vol. 14, p. 716.

هلند به موجب معاهده ۱۸۱۶ هنوز هم به عنوان طرح اصلی، در معاهده ۸ آوریل ۱۹۶۰ بین جمهوری آلمان و هلند وجود دارد.^{۱۰}

به‌رغم ماده ۲۷ معاهده ۱۸۱۶ که بیان می‌دارد: «موقعی که نهرها و رودخانه‌ها تشکیل مرز می‌دهند، آبها بین دو کشور مشترک هستند...»، در طول تاریخ ادعاهای متفاوتی در ارتباط با مرزهای آبی در این منطقه وجود داشته است. برای مثال هیچ موافقتنامه‌ای بین دو کشور ساحلی در ارتباط با مرز در رودخانه‌های «امز»* و «دولارد»** وجود ندارد.^{۱۱} به نظر می‌رسد به علت عدم تعیین حدود روشن، دو کشور در عمل درخصوص مرزهای آبی خود حاکمیت مشترک را اعمال کرده‌اند. در واقع به جز تعیین حدود مناطق آبی، بیشتر مسائل و مشکلات نتیجه استفاده و بهره‌برداری و همچنین مسائل مربوط به اداره و مدیریت این آبها بوده است. شاید به همین علت بوده که دو کشور مذکور در موافقتنامه مرزی ۸ آوریل ۱۹۶۰ خود بدون اشاره به تعیین حدود مرزی جدید، قواعدی را در ارتباط با اداره و بهره‌برداری از مناطق مرزی آبی تنظیم کردند. در ۱۴ مه ۱۹۶۲ موافقتنامه‌ای تکمیلی بین آنها در ارتباط با بهره‌برداری منابع طبیعی زیر بستر رودخانه «امز» منعقد گردید.^{۱۲} این موافقتنامه منطقه مورد نظر را به طور مساوی برای چنین هدفی تقسیم می‌کند. بنابراین، برخی ممکن است

10. L.J. Bouchez, op. cit., p. 790; 508 U.N.T.S., p. 14, English text at p.148.

*. Emz.

** . Dollard.

11. L.J. Bouchez, *The Regime of Bays in International Law*, (Leyden, A. W. Sythoff, 1964), p. 125.

12. 509 U.N.T.S., p. 140; *Tractatenblad van het koninkrijk der Nederlanden*, 1962, No. 54, quoted by L.J. Bouchez, *The Regime of Bays in International Law*, op. cit., p. 130.

این وضعیت را تحت عنوان «مرز بهره‌برداری» توصیف کنند.^{۱۳} همچنین وضعیت کمابیش مشابهی برای مرز آبی بین جمهوری ایرلند و ایرلند شمالی در خصوص «لاف فویل»* و «کارلینگ فورد لاف»** وجود دارد. به‌رغم ادعاهای متعدد دو دولت و به علت عدم تعیین حدود مرزی بین دو کشور، این منطقه ممکن است تحت عنوان حاکمیت مشترک تلقی شود،^{۱۴}

13. L.J. Bouchez, *Ibid.*, p. 130.

در ارتباط با وضعیت مرزی بین دو کشور آلمان و هلند این مطلب قابل ذکر است که نویسنده مقاله حاضر در تحقیقات قبلی خود در پاسخ به نامه‌ای که به وزارت خارجه هلند ارسال داشته بود (مورخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۰)، نامه‌ای از سوی کمک مشاور حقوقی آن وزارتخانه دریافت نمود (مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۹۱)، که بیان می‌داشت: «کلیه رودخانه‌های بین کشور پادشاهی هلند و جمهوری آلمان یک خط مرزی دارند و آن خط منصف است و هیچ حاکمیت مشترکی اعمال نمی‌شود» سپس با توجه به معاهده ۲۶ ژوئن ۱۸۱۶ و ۱۷ اکتبر ۱۸۱۶ به صفحات ۷۱۷، ۷۳۶ و ۷۴۰ سندی که معاهده در آن ذکر شده است و مقررات معاهده (S/L/LEG/SER, B 12) (3 B.F.S.P.) ارجاع می‌دهد. اما متأسفانه وی در نامه‌اش هیچ ارجاعی به معاهدات و موادی که در آن خط منصف اعمال شده است نمی‌کند. علاوه بر این به نظر می‌رسد که ارجاعات داده شده بوسیله ایشان هیچ‌گونه دلیل و مدرکی که دال بر اعمال خط منصف باشد نشان نمی‌دهند، در واقع صفحه ۷۱۷ منبع مذکور که اینجانب آن را ملاحظه و مطالعه کردم به معاهده‌ای بین لوکزامبورگ و آلمان در ارتباط با مقررات ماهیگیری در مرزهای آبی اشاره دارد. جالب است که حتی ماده (۳) از آن معاهده غیرمرتبط، به «آبهای تحت حاکمیت مشترک» اشاره دارد. در صفحه ۷۳۶ سند مذکور، ماده ۲۷ معاهده ۶ ژوئن ۱۸۱۶ دیده می‌شود که پیشتر به آن اشاره شد. ماده مذکور به این صورت مقرر می‌دارد که «تمام مرزهای آبی رودخانه‌های بین دو کشور بین آنها مشترک است مگر این که مخالف آن صریحاً مقرر شده باشد». در صفحه ۷۴۰، معاهده ۲ ژوئیه ۱۸۲۴ در ارتباط با مرزهای بین هلند و هانور می‌باشد. جالب است که مراد ۱۹ و ۴۰ آن معاهده هم به رودخانه «رودویک» (Radewyk) به این ترتیب اشاره دارد که «رودخانه مرزی و در مالکیت مشترک» [دو کشور] است. علاوه بر مباحث و استدلال‌های فوق، بسیاری از متخصصان و محققان - در بررسی رودخانه‌های مرزی و بین‌المللی - آبراهها و رودخانه‌های بین این دو کشور را با اشاره به معاهده ۲۶ ژوئن ۱۸۱۶ به عنوان مثالی برای روش «حاکمیت مشترک» ذکر می‌کنند. ملاحظه شود:

L.J. Bouchez, "The Fixing of Boundaries in International Rivers", *op. cit.*, p. 790; A.O. Cukwurah, *op. cit.*, p. 46; V. Adami, *National Frontiers in Relation to International Law*, (1919), Trans. by T.T. Behrens (London, O.U.P., 1927), p. 33.

*. Lough - Foyle.

** Carling ford Lough.

14. L.J. Bouchez, *The Regime of Bays in International Law*, *op. cit.*, p. 136.

خصوصاً با وجود «قانون ماهیگیری فویل» ایرلند شمالی در ۱۹۵۲^{۱۵} و «قانون ماهیگیری فویل» در جمهوری ایرلند^{۱۶} و در نتیجه ایجاد «کمیسیون ماهیگیری فویل» که یک رکن اداری است و امور مربوط در این خصوص را انجام می‌دهد. اثر مقررات مربوط، بسر تخلفاتی که در منطقه مزبور ارتکاب می‌یابد این است که چنانچه سکنه متعلق به قلمرو قضایی یکی از این دو کشور، مرتکب تخلف ماهیگیری در قسمتی از ناحیه فویل که تحت قلمرو قضایی کشور دیگر است، گردند ممکن است همان‌جا محاکمه شوند یا به قلمروی که ساکن آن هستند بازگردانده شوند.^{۱۷}

ب - طرح موضوع و پیدایش روش حاکمیت مشترک

به موجب تاریخچه رودخانه‌های مرزی و همچنین نظر نویسندگان و محققان حقوقی، منشأ این روش به زمانهای خیلی دور باز می‌گردد.^{۱۸} با بررسی منابع مربوط، این طور استنباط می‌شود که در گذشته دولتها واقعاً به فکر سیستم خط منصف در رودخانه‌ها نبوده‌اند. رودخانه‌ها به عنوان مرزهای طبیعی، کشورها را از یکدیگر جدا می‌کردند. این مسأله ممکن است منشأ مفهوم مرزهای طبیعی باشد. کشورها معمولاً مالک قلمرو خاکی

15. The Public General Acts Northern Irland of 1952, (Belfast, Her Majesty's Stationery Office 1952), p. 67.

16. The Acts of the Oireachtas, 1952 (Dublin, The Stationery Office, 1952), p. 49, No. 5.

17. See A.G. Donaldson, "Inland Water Rights and Obligations between States: Two Instances of Cooperation in Irland, in I.L.A. Reports of the forty - sixth Conference held at Edinburgh in 1954, London 1955, pp. 337-338, cited by L.J. Bouchez, the Regime of Bays in International Law, op. cit., p. 136.

18. G.Glos, op. cit., p. 109, L.J. Bouchez, "The Fixing of Boundaries in International Rivers", op. cit., p. 791; A.O. Cukwurah, op. cit., pp. 46 - 77.

خود بودند و رودخانه‌های مرزی خود را به عنوان دارایی مشترک قلمداد می‌کردند.

دولتها در گذشته رودخانه‌های مرزی را برای اهداف ساده و معمولی نظیر کشتیرانی، آبیاری و ماهیگیری بدون هیچ‌گونه اختلاف عمده‌ای در این خصوص مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌دادند. اما در طول زمان فکر جدا کردن آبها، همان‌گونه که درخصوص قلمرو خاکی انجام شد، مورد توجه و ترغیب قرار گرفت و هم‌اکنون نیز دولتها و محققان حقوقی تلاش می‌کنند تا خطی دقیق را به عنوان مرز در رودخانه‌های مرزی خود حفظ، تعریف، تعیین و ترسیم کنند.^{۱۹}

شاید به همین دلیل باشد که برخی از نویسندگان در تحقیقاتشان در مورد رودخانه‌های مرزی از روش «حاکمیت مشترک» ذکر می‌کنند. به میان نیآورده^{۲۰} و نمی‌آورند، یا برخی از آنان، از آن به سرعت عبور کرده و به عنوان یک روش قدیمی که به دلایل عملی، متروک شده است یا غالباً مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، یاد می‌کنند.^{۲۱}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فصلنامه علمی حقوقی

۱۹. به مقاله و کتابهایی که درباره رودخانه‌های مرزی و بین‌المللی نوشته شده و نیز منابع ذکر شده در این مقاله و مقاله قبلی نگارنده درخصوص «بررسی تحلیلی انواع روشهای تعیین حدود در رودخانه‌های مرزی» مراجعه شود.

20. K. Gleditsch, "Rivers as International Boundaries", 22 (1925) Acta Scandinavica Juris Gentium, (15 – 32); S. B. Jones, Boundary Making, (Washington, Carnegie Endowment for International Peace, Division of International Law, 1945).

21. G. Glos, op. cit., p. 109; L.J. Bouchez, op. cit., p. 791; A.O. Cukwurah, op. cit., pp. 46 – 47.

ج - طرح مشکلات و پاسخگویی به آنها

۱- ادعای وجود روشی در گذشته و کاربرد کم آن در زمان حاضر

مسأله استفاده از روش حاکمیت مشترک در گذشته و نادر بودن آن در زمان حاضر، ممکن است به عنوان یکی از عیوب و مضار آن مطرح گردد. اما جای سؤال همچنان باقی است که آیا صرف این که روشی در گذشته مورد استفاده بوده و اکنون کمتر به کار می‌رود می‌تواند دلیلی بر عدم استفاده از آن در زمان حال باشد؟ به نظر می‌رسد که پاسخ منفی است. اگر روشی متعلق به زمان گذشته باشد، لزوماً به این معنا نیست که نامناسب و نامطلوب به شمار آورده شود. علاوه بر این، وجود نهاد حقوقی «احیاء و تجدید حیات»^{*} بی‌اعتباری موضوع عدم بازگشت به برخی از اصول و مقررات حقوقی مفید قدیمی را مورد تردید و انکار قرار می‌دهد. واژه «احیاء و تجدید حیات» به معنی احیاء و تجدید حیات آگاهانه رویه‌ای است که ریشه در گذشته دارد. نظریه پردازان حقوقی این پدیده را درخصوص سیستم‌های حقوقی بکار می‌گیرند تا تطبیق مجدد قانون مربوط به گذشته را به زمان بعد در جامعه مورد نظر انجام دهند.^{۲۲} بنابراین درحالی که این مطلب در حقوق داخلی ممکن است مورد استفاده قرار گیرد چه دلیل

*. Resurrection.

22. A. Aoued, The Problematical Nature of Mixed Jurisdictions, L.L.M. thesis, (Glasgow, Department of Jurisprudence, October 1980), p. 3.

(پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، دفاع شده در دانشگاه گلاسگوی انگلستان). نویسنده این پایان نامه، به عنوان مثال، به تجدید حیات حقوق بیزانترین روم در یونان در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم و همچنین در دنیای امروز، که یک تغییر جهت آگاهانه به سوی حقوق اسلامی (شریعت) توسط بسیاری از کشورهای اسلامی است، اشاره دارد. همان، صص ۴ - ۳.

دارد که در ارتباط با روشی که به نظر می‌رسد در زمان حال مفید و عملی باشد، در مقررات بین‌المللی مورد انکار قرار گیرد؟

۲- عیوب موجود در روش حاکمیت مشترک

همچنین ممکن است استدلال شود که در واقع به دلیل عیوب موجود در چنین روشی بوده است که دولتها از به کارگیری آن اجتناب کرده‌اند و نویسندگان و محققان حقوقی به بحث پیرامون آن تأکید نکرده‌اند. در اینجا باید دید که این عیوب و مضار چه چیزهایی هستند؟ در این ارتباط به غیر از برخی محققان که صرفاً و بدون هیچ‌گونه بحثی به این روش به عنوان روشی قدیمی اشاره نموده‌اند، تنها «آدامی»^{*} به مشکلات این روش اشاره کرده است، اگرچه هیچ‌گونه توضیحی برای چنین مشکلاتی ارائه نداده است، اظهار می‌دارد که این روش «علت روشن منازعات بر سر مسأله ماهیگیری، بهره‌برداری از آب، حفظ و نگهداری بستر رودخانه و غیره است»^{۲۳}. به نظر می‌رسد که مشکلات مطرح شده توسط او تنها می‌تواند از طریق همکاری بین کشورهای مربوط قابل حل باشد. حتی در صورت ترسیم یک خط به عنوان مرز، همچنان مشکلات مربوط به بهره‌برداری از رودخانه به طور کلی و حفظ و نگهداری بستر رودخانه، به حال خود باقی می‌ماند، چرا که اینها مسائل مجزای از تعیین حدود مرزی هستند. این مشکلات می‌تواند و باید با همکاری بین کشورهای ساحلی رودخانه از طریق انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه حل و فصل گردد. به عبارتی وجود این مشکلات ناشی از روش «حاکمیت مشترک» نیست بلکه به واسطه عدم همکاری و

*. Adami.

23. V. Adami, op. cit., p. 21.

نبود توافق طرفین مربوط درخصوص استفاده و بهره‌برداری از رودخانه مورد نظر است. علاوه بر این، با توسعه حقوق بین‌الملل از طریق مقررات پیشنهادی مؤسسه حقوق بین‌الملل^{۲۴} و پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و کنوانسیون مربوط ۱۹۷۷، درخصوص بهره‌برداری‌های غیرکشتریانی از رودخانه‌های بین‌المللی،^{۲۵} این گونه مشکلات می‌تواند تا حدودی حل گردد.

درخصوص استدلال متروک بودن روش حاکمیت مشترک، به نظر می‌رسد که وجود مشکلات، تنها علت متروک شدن آن نبوده است بلکه همانگونه که در بالا مطرح شد، رشد و گسترش فکر جداسازی آبها با ترسیم یک خط فرضی (خط منصف، تالوگ و ...)، آنچنان که در مرزهای خاکی انجام می‌گیرد، باعث شده است تا دولتها و محققان حقوق بین‌الملل روش مزبور را کنار گذارند و بر رسم یک خط در مرزهای رودخانه‌ای تکیه کنند، حال آن که به نظر می‌رسد آنان فرق بین مرزهای آبی و خاکی را به بوتۀ فراموشی سپرده و نادیده انگاشته‌اند. آنان به مشکلاتی که به همراه اعمال روشهای مرزی با ترسیم خط وجود دارد - که در تحقیق پیشین^{۲۶} به آنها اشاره شد - عنایت ندارند. در نتیجه چنین فکری (یعنی ترسیم خط جداسازی)، در طول دوره‌های گذشته، تحول و تکامل روشهای تعیین مرز رودخانه‌ای بر مبنای ترسیم خطی دقیق و عادلانه استوار

۲۴. مقررات هلسینکی (اوت ۱۹۶۶) درخصوص استفاده از آبهای رودخانه‌های بین‌المللی.

25. The Helsinki Rules Concerning the Use of the Waters of International Rivers, The 52 nd, Conference of International Law Association, Published by I.L.A. Printed by Combrian News (Aberystwyth) Ltd., 1967.

۲۶. پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در ارتباط با حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از رودخانه‌ها درسال ۱۹۹۷ منجر به کنوانسیونی در این زمینه شد: A/51/869 (11 April, 1997).

بوده است. مشکلاتی که ممکن است برخی دربارهٔ روش «حاکمیت مشترک» به آنها اشاره کنند، می‌تواند در تمام روشهای دیگر نیز ظهور پیدا کند. اگر در مواردی درگیری و مشکل بین برخی از کشورها که روشهای تعیین حدود مرزی مبتنی بر ترسیم خط را به کار گرفته‌اند، مشاهده نمی‌شود به این دلیل است که بین آنان درخصوص رودخانه‌شان «همکاری» و «رعایت مقررات» وجود دارد. با اطمینان و یقین می‌توان گفت که حتی اگر بهترین روش تعیین حدود هم اعمال گردد، چنانچه یکی از کشورهای ساحلی یا هر دو آنها به مقررات مربوط به تعیین حدود، اداره و بهره‌برداری احترام نگذاشته، آنها را رعایت نکنند و حقوق معقول طرف دیگر را در نظر نگیرند، همیشه با مشکلات و منازعات مختلف روبرو خواهند بود.

اگر چنین نظر و استدلالی درست نباشد، پس چرا در زمان حال و گذشته همچنان به رغم اعمال روش‌های مبتنی بر ترسیم خط، نظیر تالوگ، می‌توان منازعاتی را بین کشورها در ارتباط با مرزهای رودخانه‌ای، یافت؟ منازعاتی که در خصوص اروند رود وجود داشته است، با وجود تعیین حدود آن براساس روش «تالوگ»، به عنوان یک روش معروف و حتی «اصلی کلی برای رودخانه‌های قابل کشتیرانی»^{۲۷} در سطح بین‌المللی، مثال بارزی در این خصوص است. روشن و بدیهی است که وجود روشی مناسب و مطلوب برای تعیین حدود مرز رودخانه‌ای، در جلوگیری از منازعات نقش مهمی دارد، اما احترام به مقررات و اجرای آنها توسط دول مورد نظر و نیز همکاری بین آنان دربارهٔ امور مختلف رودخانه از اهمیت بیشتری برخوردار است. بنابراین ضرورتی ندارد که روشی حتماً بر یک خط فرضی

۲۷. به پاورقی شماره ۱ مراجعه شود.

استوار باشد، با توجه به این مسأله که رودخانه‌ها، مرزهای آبی هستند و نه خاکی، از این رو به معیارهای خاص خود برای تعیین حدود نیاز دارند. علاوه بر این، مشکلات موجود در روشهای پذیرفته شده دیگر که مبتنی بر ترسیم خط است، به رغم انگیزه‌های خوب و عادلانه موجود در پس آنها و تأمین حقوق هر دو کشور ساحلی، ما را به این سو سوق می‌دهد که روش «حاکمیت مشترک» را در رودخانه‌های مرزی اعمال کنیم یا حداقل به کارگیری آن را مورد تأمل قرار دهیم.

این حقیقت روشن است که رودخانه‌های مرزی، به ویژه در زمان حاضر، با کاربردهای مختلف آن، نیاز به کنترل، نظارت و اداره مناسب دارند. اگر اظهار می‌شود که روش «حاکمیت مشترک» در گذشته با مشکلات عملی از حیث عدم پاسخگویی به افزایش کاربردها و بهره‌برداری از رودخانه، روبرو بوده، این موضوع صرفاً به علت فقدان خط مرزی نبوده است بلکه به نظر می‌رسد به دلیل بهره‌برداری‌های ناعادلانه و استفاده نادرست از رودخانه و عدم مدیریت صحیح بر آن نیز بوده است. رودخانه‌های مرزی قطعاً نیاز به اداره مشترک و همکاری دول ساحلی از طریق وضع مقررات مشترک، کمیسیون همکاری مشترک و تدابیر دیگر دارند. متأسفانه برای اجتناب از وجود این مشکلات، دولت‌ها، نویسندگان و محققان حقوقی تنها تلاش کرده‌اند که قلمرو رودخانه مرزی خود را از طریق ترسیم دقیق یک خط، نظیر آنچه در مرزهای خاکی وجود دارد، جدا نمایند.

ممکن است عاقلانه نباشد که به طور قطع اظهار شود هیچ‌گونه مشکلی در اعمال روش «حاکمیت مشترک» وجود ندارد اما باید به این حقیقت نیز واقف باشیم که به دلیل ویژگی‌های خاص رودخانه‌های مرزی،

قطعاً تفاوت‌هایی نیز بین مرزهای خاکی و آبی از جهات مختلف وجود دارد. همچنین باید به طور روشن به این سؤال پاسخ دهیم که برای چه مدتی باید درصدد تعریف و ترسیم خط دقیق مرزی برای رودخانه‌ها باشیم، در حالی که ویژگی عمده رودخانه‌ها بی‌ثباتی و تغییر در مسیر یا حجم آب آنها است که در نتیجه تغییر ممتد خط مرزی را به دنبال دارد. به غیر از نارسایی‌ها و مشکلات موجود در روشهای مبتنی بر خط، وجود تعاریف گوناگون از تالوگ که هنوز هم دولتها و حقوقدانان بر سر آن به توافقی یکسان نایل نشده‌اند و هرگز ممکن نیست چنین بشود، همگی نشان می‌دهند که ترسیم یک خط در رودخانه به عنوان مرز، راه حل واقعی نیست.

با وجود معایب و مضار مختلفی که در دیگر روشهای مبتنی بر ترسیم خط وجود دارد، برخی، به رغم پذیرش آن روشها، سرانجام ممکن است به این نتیجه‌گیری نایل شوند که مشکلات موجود، ناشی از آن روشها نیست بلکه به دلیل ویژگی رودخانه‌ها از جمله متغیر بودن مسیر و حجم آب آنها و در نتیجه فرضی بودن خط موسوم به خط مرزی است. بحثهای عمده دقیقاً بر این نکته و سؤال متمرکز می‌شود؛ در حالی که ما از این ویژگی‌ها آگاه هستیم چرا باید تلاش کنیم تا روشهایی را اعمال کنیم که قابلیت کامل با مرزهای رودخانه‌ای را ندارند؟

۳- استفاده اشخاص خصوصی از رودخانه

ایراد دیگری که در خصوص اعمال روش «حاکمیت مشترک»، به آن اشاره می‌شود مسأله استفاده اشخاص (خصوصی) از رودخانه است. در این خصوص بیان شده است که چنین حاکمیت مشترکی بر رودخانه‌های

مرزی ممکن است منجر به مشکلات حقوقی از حیث استفاده آبها به وسیله اشخاص حقیقی و حقوقی شود. در این راستا برای درک حدود تأثیر این روش،^{۲۸} می‌توان به مورد معروفی اشاره کرد، قضیه‌ای که از آن به عنوان «آسیابان آلمانی» یاد می‌شود.^{۲۹} به موجب این قضیه درخواست یک شهروند آلمانی مبتنی بر قانون آب آلمان، برای ثبت آبهایی که او از یکی از شعبه‌های رودخانه بین هلند و آلمان برداشت کرده بود، توسط کمیته منطقه و نیز دیوان عالی آلمان، رد گردید. دلیل چنین ردی تحت «حاکمیت مشترک» بودن آن رودخانه توسط دولتهای ساحلی به موجب معاهده ۲۶ ژوئن ۱۸۱۶ عنوان شده بود^{۳۰} (که پیشتر به عنوان مصداق و نحوه اعمال پروش حاکمیت مشترک به آن اشاره شد).

به نظر می‌رسد که مسأله یاد شده نمی‌تواند آنچنان مهم باشد که به عنوان یکی از ایرادهای چنین روشی مطرح شود. حتی اگر خطی به عنوان مرز در رودخانه وجود داشته باشد هر یک از دول ساحلی معمولاً مقرراتی در ارتباط با استفاده اشخاص خصوصی و اتباع خود دارند. بنابراین با اعمال روش «حاکمیت مشترک»، دول ساحلی می‌توانند مقررات مشترکی در این باره تنظیم و تدوین کنند، اگرچه این مقررات از مقررات داخلی‌شان متفاوت باشد.

28. L.J. Bouchez, *The Fixing of Boundaries in International Rivers*, op. cit., p. 794.

29. A. O. Cukwurah, op. cit., p. 47; L.J. Bouchez, op. cit., p. 790.

۳۰. برای اطلاع از قضیه مذکور رجوع شود به:

(1931 – 32) Ann. Dig. P.I.L.C., No. 23, p. 50.

۴- سوء استفاده‌های احتمالی سیاسی و اقتصادی

اشکال دیگر، مربوط به سوء استفاده‌های سیاسی و اقتصادی است که احتمال دارد از سوی یکی از دول ساحلی - که از لحاظ سیاسی و اقتصادی قوی‌تر می‌باشد - صورت پذیرد. در این باره باید اظهار داشت که امکان چنین سوء استفاده‌هایی در رابطه با دیگر روشها نیز وجود دارد. همان‌گونه که پیشتر ذکر شد مسأله عدم احترام به حقوق یک طرف توسط طرف دیگر موضوعی است که حتی اگر ما بهترین روشها را داشته باشیم نیز بروز پیدا می‌کند. در واقع این موضوع و مشکل ممکن است به عنوان یک مانع سیاسی یا اقتصادی مطرح باشد. هنگامی که دو کشور تنشهای سیاسی و خصمانه‌ای داشته باشند، حتی با وجود بکارگیری روشهای مبتنی بر ترسیم خط مرزی نیز، در ارتباط با اداره رودخانه، با مشکل مواجه خواهند بود. بنابراین آنان باید ابتدا مشکلات و منازعات سیاسی خود را حل کرده و یا تصمیم به حل آن بگیرند و در آن راستا یک روش مناسب برای رودخانه‌های مرزی خود بیابند. در خصوص بهره‌برداری اقتصادی نیز آنها با همکاری و وضع مقررات و تشکیل کمیته‌های مربوط می‌توانند در خصوص موضوع به توافق‌هایی نایل آیند.

۵- عدم تشابه در خصوص سطح توسعه اقتصادی و نظامهای قضایی

آخرین ایراد، مربوط به تفاوت در سطح توسعه اقتصادی و عدم تشابه نظامهای قضایی دولتهای ساحلی است. در این خصوص نیز می‌توان گفت که اگر دو کشور به‌رغم چنین وضعیتی تلاش نمایند تا مقررات مشترکی که محتمل است متفاوت با نظامهای داخلی‌شان باشد، تنظیم کنند، می‌توانند

مشکلات خود را از این لحاظ برطرف نمایند.^{۳۱} امروزه در سطح جامعه بین‌المللی کشورهایی را مشاهده می‌کنیم که با وجود نظام‌های متفاوت و حتی متعارض سیاسی، اقتصادی و قضایی، با یکدیگر در زمینه‌های مختلف همکاری داشته و موافقتنامه‌هایی در این خصوص به امضا رسانیده‌اند. همچنین باید توجه داشت که بسیاری از حوادث مدنی و کیفری که در کشتی‌ها رخ می‌دهند، به رغم تفاوت‌های موجود در نظام قضایی کشورهای ذی‌ربط، معمولاً تحت مقررات تعریف شده بین‌المللی قرار دارند.^{۳۲} از سوی دیگر، با قبول مقررات بین‌المللی در این خصوص کشورها می‌پذیرند که مثلاً قانون کشور ساحلی با کشور صاحب پرچم حاکم باشد. البته باید اذعان داشت که مشابهت‌ها بین دولت‌های مربوط، در تمام زمینه‌ها به ویژه مشابهت‌های ذکر شده، می‌تواند در راستای عملکرد مناسب روش مذکور بسیار یاری‌رسان باشد.

در نهایت به این نکته نیز می‌توان اشاره نمود که ما هرچه از لحاظ زمان به جلو برویم مشاهده می‌کنیم که وجود عرف‌ها، کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی رو به گسترش و افزایش است و محور اصلی این منابع حقوق بین‌الملل در راستای کاهش حاکمیت دولت‌ها و افزایش همکاری‌های بین‌المللی است. فرهنگ همکاری‌های بین‌المللی در زمان حاضر نسبت به گذشته گسترش یافته و به یقین در آینده نیز افزایش بیشتری خواهد داشت. بنابراین انتخاب و به کارگیری روش «حاکمیت مشترک» در راستای تحولات بین‌المللی است. ضمناً وجود چنین کمیسیون‌هایی که برای اداره و مدیریت رودخانه‌های مرزی تحت روش «حاکمیت مشترک»

31. Ibid., p. 50.

۳۲. به باورقی‌های شماره‌های ۲۴ و ۲۵ رجوع شود.

عنوان می‌گردد دور از ذهن، غیرمنتظره و بی‌سابقه نیست. در رودخانه‌های مرزی بین کشورها که روشهای دیگر تحدید حدود مرزی، نظیر «خط منصف» و «تالوگ» استفاده می‌شود، برای اداره و مدیریت مسائل مرتبط با رودخانه از این گونه کمیسیونها استفاده می‌شود.^{۳۳} بنابراین در روش «حاکمیت مشترک» می‌توان ضمن بهره‌مندی از سوابق موجود این کمیسیونها بنا بر نیاز مسائل مرتبط با روش «حاکمیت مشترک» از موضوعات و مسائل جدید نیز بهره جست.^{۳۴}

نتیجه‌گیری

بررسی انواع مختلف تعیین حدود مرزی رودخانه‌ای با در نظر گرفتن تاریخچه آن، موارد موجود و بررسی مزایا و مضار هر یک از آنها این امکان را به ما می‌دهد که به نتایجی نایل شویم. گروهی از این روشها به دلیل ماهیت غیرعادلانه و انگیزه‌هایی که در پس اعمال آنها وجود دارد، در مجموع بر مبنای عدالت و تأمین حقوق و منافع طرفین نبوده و در نتیجه منازعات و اختلافات ممتدی را به همراه می‌آورند، نظیر تعیین یکی از دو ساحل رودخانه به عنوان مرز که قاعدتاً قابل قبول نمی‌باشد. دسته دیگر به علت ماهیت منطقی و عادلانه‌شان و نیز انگیزه‌های وجودیشان، به جهت رعایت عدالت و تأمین منافع طرفین، اگرچه قابل قبول هستند و در عمل هم اعمال می‌شوند اما به دلیل وجود برخی مشکلات عملی و فنی که معمولاً

۳۳. به مقررات مربوط در کنوانسیونهای ژنو ۱۹۵۸ حقوق دریا Official Record, Vols. I - VII, U.N. Doc. A/CONF. 62/22/982 ۱۹۸۲ مراجعه شود.

۳۴. به عنوان مثال می‌توان به کمیسیون مشترک رودخانه «راین»، کمیسیون اروپایی مشترک رودخانه «دانوب»، کمیسیون مشترک آبی بین آمریکا و کانادا، کمیسیون مشترک رودخانه «دورو» بین اسپانیا و پرتغال و کمیسیون مشترک بین ایران و عراق در مورد «اروند رود» و غیره اشاره کرد.

ناشی از ترسیم و بکارگیری خط فرضی - به عنوان ملاک تحدید حدود - است، نظیر خط منصف و تالوگ، مشکل آفرین می‌باشند.

سومین روش که در نوشته حاضر مورد بررسی قرار گرفت، اساساً نسبت به روشهای دیگر تفاوت دارد. بدین ترتیب که خطوط مرزی، در دو ساحل رودخانه تعیین شده و رودخانه بدون این که تقسیم شود تحت «حاکمیت مشترک» کشورهای ساحلی قرار می‌گیرد. اهمیت چنین روشی، تطابق آن با ویژگی مرزهای آبی و گریز از مشکلات فراوان فنی است که از وجود یک خط در رودخانه به عنوان مرز ناشی می‌شود.

رودخانه به عنوان مرز آبی باید معیار مربوط به خود را در تعیین حدود مرزی داشته باشد. به نظر می‌رسد هر نوع تلاشی برای اعمال کلیه معیارهای مرزهای خاکی برای مرزهای آبی منطقی نباشد. اگر در مواردی با اعمال گروه دوم از روشها، مشکل عمده‌ای بین دولتهای مربوط وجود ندارد، به نظر می‌رسد که علت عمده آن، وجود سطح بالایی از «تفاهم و همکاری» بین آنها و «رعایت مقررات» مشترک و مربوط است و نه صرف اعمال آن روشها.

فقدان دشمنی و تنشهای سیاسی بین دولتهای مربوط و همچنین تلاش آنان برای ایجاد هرگونه تسهیلات برای همکاری بیشتر، عمده‌ترین دلیل برای عدم وجود مشکلات یا کاهش آنهاست. در واقع این همکاری بدین معنی است که اگرچه ممکن است مشکلات فنی وجود داشته باشد، اما طرفهای مربوط، یا از آنها چشم می‌پوشند یا این که آنها را از راههای مناسب حل و فصل می‌نمایند. بنابراین وجود یک چنین جو همکاری بین آنان به علت وجود یک خط فرضی به عنوان مرز نیست بلکه روابط نزدیک و همکاری بین آنان سبب چنان جوی شده است. لذا در حالی که

این‌گونه همکاری علت اصلی برای چنین وضعیتی است، این سؤال پیش می‌آید که نقش خط فرضی در رودخانه به عنوان مرز چیست؟ به علت غیرواقعی بودن چنین خطی، کشورهای ساحلی می‌توانند روش «حاکمیت مشترک» را با همکاری نزدیک خود اعمال کنند و این در حالی است که آنان از بسیاری از مشکلات فنی، مالی و غیره که ناشی از وجود چنین خطی است، رهایی می‌یابند.

بدیهی است که مشابهت‌های سیاسی، حقوقی و غیره بین دولتهای مربوط می‌تواند در راستای اعمال بهتر روش «حاکمیت مشترک» مؤثرتر باشد، اما فقدان آنها نمی‌تواند مشکل عمده‌ای ایجاد کند. همکاریهای بین‌المللی کشورها با وجود نظامهای متفاوت سیاسی و حقوقی دلیل بر این مدعاست. البته در صورتی که دولتهای مربوط در روابط خود با حسن نیت رفتار نکنند، تنشهای سیاسی بین آنان به طور آشکار می‌تواند مانعی در راه اعمال این روش باشد، همانگونه که این مسأله در سایر روشها نیز وجود دارد. در هر صورت به موجب اصول آزادی و استقلال که حق دولتهاست، آنان در انتخاب هر روشی که می‌خواهند و توافق می‌کنند آزادند، مسلم این که هر روشی آثار و عواقب مخصوص به خود را - هم مثبت و هم منفی - نسبت به کشورهای مربوط دارد و این دولتها هستند که به طور طبیعی باید آثار و عواقب مربوط به انتخاب روش مورد نظر خود را پذیرا باشند. به هر حال آنچه در روش «حاکمیت مشترک» اهمیت دارد و باید بر آن تأکید کرد، ایجاد و تشکیل «کمیسیونهای همکاری مشترک» بین دولتهای مربوط است. البته تشکیل چنین کمیسیونهایی اختصاص به این روش ندارد، بلکه همان‌گونه که ذکر شد در سایر روشها نیز، چنین کمیسیونهایی را داریم که بر مسائل رودخانه نظارت و مدیریت دارند، اما قطعاً نقش این

کمیسیونها در اعمال روش «حاکمیت مشترک» به مراتب بیشتر خواهد بود. این کمیسیونهای مشترک می‌توانند در برگزیده مسائل و وظایف مدیریتی، انتظامی، گمرکی، فنی - تخصصی و غیره باشند که به تناسب تشکیل شده و به تصمیم‌گیری و انجام وظیفه می‌پردازند. طبعاً اهداف، چارچوب و مسائل مرتبط با این نوع کمیسیونها باید با توافق دولتهای مربوط تعیین و به مرحله اجرا درآید که چگونگی و جزئیات آن می‌تواند در نوشته‌ای دیگر مورد بحث و بررسی قرار گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی